

#### چکیده:

■ کتاب کالیمآ (خاطرات اسارت دکتر حسنعلی پورحسینی) از سیبری در سال ۱۳۹۴ و ۲۷۲ صفحه در انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی و در شمارگان ۵۰۰ نسخه در قطع وزیری، به چاپ رسید. تحقیق و تدوین این اثر توسط آقای علی درازی انجام یافته است.

برخلاف بسیاری از کتابهای خاطرات که سخنان شخص مورد نظر ضبط

# نقد و بررسی کتاب کالیما خاطرات اسارت دکتر حسنعلی پورحسینی از سیبری

مطلب مطلبی<sup>۱</sup>



و سپس پیاده و تنظیم می‌شود، بنابر آنچه در پیشگفتار آمده است این اثر «دست نوشته‌های» پورحسینی «درباره خاطرات دوران حضور در شوروی» (ص ۱۲) است. این کتاب از دو منظر نحوه تدوین و اظهارات پورحسینی قابل بررسی است.

## ۱. نحوه تدوین

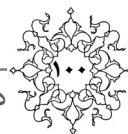
۱. دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام،  
کارشناس پژوهشکده اسناد سازمان اسناد  
و کتابخانه ملی



به طور کلی، آنچه قبل از هر چیز در خاطرات پورحسینی جلب توجه می‌کند، عدم انسجام و ناپیوستگی مطالب کتاب است. انتظار خواننده از یک کتاب خاطرات آن است که مطالب را بر مبنای ترتیب تاریخی یا دسته‌بندی موضوعی ببیند تا امکان پیگیری منسجم مطالب فراهم آید، اما در این کتاب نمی‌توان چنین ترتیب و انسجامی را سراغ گرفت که البته خود نویسنده در ابتدای کتاب و زیر عنوان «سخنی با خواننده» تا حدودی دلیل این عدم انسجام را بیان کرده است «این یادداشت‌ها با من بودند تا اینکه بعضی از کتاب‌های منتشر شده نویسندگان شوروی را که ایامی را در اردوگاه‌های استالینی سپری کرده بودند مطالعه کردم ... و این مرا واداشت تا یادداشت‌های خودم را جدی بگیرم» (ص ۱۳). با این وجود تدوین‌گر که عنوان «تحقیق و تدوین» اثر حاضر را برای خویش انتخاب نموده، می‌بایست این نقیصه را رفع می‌نمود که در این زمینه به خوبی از عهده کار برنیامده است.

نگاه جانبدارانه و یکسوزگرانه تدوین‌گر در بخش «پیشگفتار» به وضوح نمایان است. وی به جای پرداختن به تبیین واقعیات و بیان اهمیت و ارزش کتاب، روش کار و ... به مباحثی پرداخته که کمترین پیوستگی را با متن کتاب داراست. در این پیشگفتار ریشه تمام جریان‌ها و رویدادهای دو سه قرن اخیر کشور به دسیسه و توطئه خارجی تقلیل داده شده است (صص ۱۱-۱۷)، در حالی که تدوین‌گر و محقق! در بخش پیشگفتار می‌بایست به چگونگی روش کار، میزان دخل و تصرف وی در متن، اهمیت این اثر در پژوهش‌های تاریخی و ... قلم فرسایی می‌نمود اما وی به جمله کلی ذیل بسنده نموده است. «دست‌نوشته‌های ایشان درباره خاطرات دوران حضور در شوروی در اختیار من قرار گرفت و به این ترتیب بود که توانستم این مجموعه را در طی سه سال تکمیل و به شکل این کتاب در آوردم» (ص ۱۱)، در حالی که برای مخاطب، کاملاً مبهم و نامفهوم است که حاصل تلاش سه ساله محقق چه بخش‌ها و مطالبی از کتاب است؟ دخل و تصرف وی در متن اصلی چه میزان بوده است؟

پیشگفتار تدوین‌گر را باید از جنبه دیگری نیز مورد ملاحظه قرار داد و آن وجود پاره‌ای گزاره‌های کاملاً اشتباه است تا جایی که بعضاً شگفت‌آور می‌نماید، خطاهای فاحشی که مبنای تحلیل و تفسیر تدوین‌گر قرار گرفته‌اند. برای نمونه وی توده‌ای‌ها و چپ‌های ایران در جریان جنگ دوم جهانی را «مجرى برنامه‌های ک.گ.ب» معرفی می‌نماید (ص ۹)، هرچند ک.گ.ب از ادغام دو سازمان اطلاعاتی قبل به وجود آمد اما در آن زمان تحت این عنوان نبود و شکل‌گیری سازمانی با عنوان ک.گ.ب به یک دهه پس از اتمام جنگ جهانی دوم و پس از مرگ استالین بر می‌گردد (بارون، ۱۳۷۰). می‌بایست تدوین‌گر اسم سازمان هم زمان با کتاب را انتخاب می‌نمود. تدوین‌گر می‌بایست در پیشگفتار کتاب بیوگرافی جامعی از پورحسینی ارائه می‌داد. درحالی که اشاره‌ای به این موضوع ندارد و مخاطب با خواندن این اثر کمترین اطلاعاتی در ارتباط با پورحسینی



به دست نمی‌آورد. اینکه وی در چه تاریخی به دنیا آمد؟ مدرک دکتری خویش را کی و از کجا دریافت کرد؟ پس از بازگشت به ایران چه سرنوشتی یافت حوزه‌های فعالیت‌های وی چه بود؟ اثر و آثار احتمالی دیگر او کدامند؟ درحالی‌که پاسخ به چنین پرسش‌هایی با توجه به پیوندهایی که تدوین‌گر با بازماندگان پورحسینی داشته است به راحتی و کمترین زحمت امکان‌پذیر بود.

همچنین برای تدوین این کتاب، محقق و تدوین‌گر از هیچ منبعی مدد نجسته و یا حداقل هیچ نشانی از بهرمندی وی از منابع در این کتاب مشاهده نمی‌گردد. جالب اینکه در قسمتی که تحت عنوان «منابع و مأخذ» (ص ۲۵۴) آمده حتی به یک منبع هم اشاره نشده است و فقط ۱۶ یادداشت زیر عنوان «منابع و مأخذ» آمده است که وجود این تعداد یادداشت برای کتابی با این حجم و اطلاعات و واژه‌ها و اصطلاحات خارجی بسیار ناچیز است.

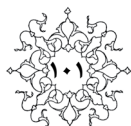
در مواردی که اسامی خاص روسی ذکر شده است تدوین‌گر برای تلفظ درست، عنوان لاتین آن را در کنار اسم ذکر نموده است (صص ۱۳۴، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۱۳، ۱۱۸ و ...) که بهتر بود عناوین لاتین اسامی خاص در پایین صفحه درج گردد. همچنین درج عناوین لاتین هم به صورت گزینشی بوده و بیشتر اسم‌های خاص را در بر نمی‌گیرد. (صص ۳۵، ۹۵، ۱۴۸، ۱۶۹، ۲۱۶، ۲۱۹) که لازم بود عناوین لاتین تمامی اسامی ذکر می‌شد.

در موارد دیگر که واژه یا مکانی نیازمند توضیح بوده است به فاصله کوتاهی یک عنوان را به دو صورت آورده است برای نمونه در صفحه ۱۱۳ دالستروی را «تأسیسات شرق دور» معنی نموده و چند صفحه بعد آن را «سازمان آبادانی شرق دور» معنی نموده است (ص ۱۱۸) در این موارد لازم است واژه در اولین کاربرد توضیح داده شود و نه پس از بارها استفاده، به توضیح آن امری که در این کتاب کمتر رعایت شده است.

متن حاضر، نیاز جدی به ویراستاری داشته که متأسفانه در این زمینه نیز اقدامی صورت نگرفته است. همچنین تلاشی برای ثبت تاریخ وقایع نشده است. مخاطب با مطالعه این اثر کمترین اطلاعی در مورد زمان رویدادها به دست نمی‌آورد به طوری که در این اثر حتی یک مورد هم زمان رویدادها مشخص نشده است. اگر چه ممکن است در اصل یادداشت‌های پورحسینی از این امر غفلت شده باشد با این وجود محقق و تدوین‌گر اثر هم کمترین تلاشی برای مشخص نمودن زمان رویدادها نکرده است در حالی که می‌بایست حداقل زمان برخی از رویدادهای مهم را مشخص می‌نمود. اشکال دیگر کتاب در فقدان فهرست اعلام است.

## ۲. اظهارات پورحسینی

خطرات پورحسینی به عنوان یکی از پناهنده‌شدگان به شوروی و کسی که سال‌های زیادی را در زندان‌ها و اردوگاه‌های کار اجباری شوروی سپری کرده است، می‌تواند دریچه قابل توجهی برای

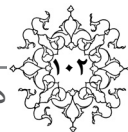


ورود به دنیای واقعیات آن هنگام و شناخت هر چه بیشتر ماهیت جمهوری سوسیالیستی شوروی و پناهندگان به آنجا به شمار آید.

کتاب روایتی کم و بیش داستان‌گونه دارد و سرگذشت خود پورحسنی را در دوران هفت ساله اسارت بیان می‌کند. با این وجود به صورت کلی‌تر داستان دو گروه دیگر در آن قابل پیگیری است. گروهی که به «امید زندگی خوب از همه چیز خویش گذشتند» و گروه دیگری که پس از ۲۱ آذر ۱۳۲۵ و بعد از اعاده حاکمیت دوباره دولت مرکزی بر آذربایجان به شوروی پناه بردند (ص ۷۵). داستان جوانانی که «به امید آب به راه افتاده و به سراب» رسیدند (ص ۹۹) و از این جنبه کتاب، در شکل رمانی هولناک جلوه‌گر می‌نماید. رمانی که قهرمانان آن جوانانی هستند که به امید زندگی بهتر و یا در امان ماندن از تعقیب رژیم پهلوی، همسایگی شوروی را سعادتی می‌دانستند، اما فرار به شوروی مصادف است با افتادن در دام کشوری کمونیستی و جماعتی که یک عمر سنگ این مرام را به سینه می‌زدند با کمال حیرت با رفقایی بی‌مرام روبه‌رو می‌شوند که در جهنمی مخوف از آن‌ها پذیرایی می‌کنند. جهنمی که رازش پشت درهای آهنین آن مخفی مانده بود. آن‌ها «به دنبال حلیم به داخل دیگ تاواریش‌ها (رفقا)» افتادند (ص ۷۴). کتاب حکایت بیماری‌ها، رنج‌ها، شکجه‌ها و ... است که بر آنان رفته است (ص ۵۲) و درباره «سبیری و اردوگاه‌های کار اجباری آن و محکومیت‌های با اعمال شاقه و سرمای شدید و گرسنگی‌های دائمی سبیری» خبر می‌دهد (ص ۱۰۵). همین مسئله با توجه به سادگی زبان آن، زمینه‌ای را فراهم ساخته که خواننده به راحتی با آن ارتباط برقرار کند. از دیگر سو تصویری که از زندگی فاجعه بار مهاجرین ایرانی در شوروی به دست می‌دهد؛ دست به دست هم می‌دهند تا کتاب حاضر به اثری خواندنی و تکان دهنده بدل شود.

کتاب خاطرات پورحسنی که در واقع انعکاس‌دهنده رنج‌ها و وقایعی است که بر او گذشته، ما را به شناخت بهتری از اوضاع و احوال کسانی که شوروی را «بهشت موعود» (ص ۲۰) می‌پنداشتند می‌رساند. اینجاست که تراژدی آغاز می‌شود و تلخ‌ترین آن زمانی است که فرد در یابد آرمان‌هایش سرابی بیش نبوده است. چنین اتفاقی در زمان‌ها و مکان‌های مختلف وجود داشته است، اما نمود آن در تاریخ معاصر و با به وجود آمدن ایدئولوژی‌های جدید، بیشتر بوده است. در تاریخ معاصر ایران نیز این امر به‌ویژه در میان آن‌ها که درگیر مبارزات سیاسی بوده‌اند، به‌کرات رخ داده است. در این میان سهم گروه‌های چپ از این آرمان باختگی تراژیک بسی بیشتر از دیگر جریان‌ها و مکتب‌ها بوده است که در این کتاب به شکلی عینی و ملموس نشان داده شده است.

اظهارات پورحسنی از جنبه‌های دیگری هم قابل ملاحظه است. پورحسنی در سراسر کتاب و بدون تمایز تمامی وابستگان به جریان چپ را خائن و وطن‌فروش می‌داند، اما نباید از نظر دور داشت، این حزب در مرحله نخستین شکل‌گیری از زمان تشکیل تا سال ۱۳۲۵ اصلا مارکسیستی-لنینیستی نبود، هر چند افرادی با تمایلات سوسیالیستی در آن شرکت داشتند. تشکیل حزب توده



به عنوان یک حزب ضدفاشیستی و یک حزب آزادیخواه شهری که تعلق شهروندی داشت و بیشتر روشنفکران تحصیل کرده، از پایه‌گذاران حزب بودند. شخصیت‌هایی متخصص، انقلابی و عدالت‌خواه بودند که با وجود توانایی در فراهم‌آوردن یک زندگی مرفه و بی‌دغدغه خاطر برای خود و خانواده‌شان، مبارزه با رژیم پهلوی را برگزیدند که در سراسر کتاب بدون تمایز به خیانت و وطن‌فروشی متهم شده‌اند.

امری که با احتیاط باید با آن برخورد شود. در حقیقت، موضع‌گیری آن‌ها در ارتباط با شوروی را باید در ایدئولوژی کمونیسم جستجو کرد، ایدئولوژی که در آن ظهور کمونیسم در قالب دیکتاتوری پرولتاریا یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است و جامعه سرمایه‌داری، جامعه‌ای شریر به شمار می‌رود که می‌بایست نابود شود. اگر شخص این را بداند و در مقابل آن مقاومت کند یک جنایتکار محسوب می‌شود. این امر منحصر به ایران نبود و در حقیقت بیشتر کمونیست‌ها نسبت به مسکو چنین رویکردی داشتند. چنان که کارل پوپر اظهار می‌دارد: «یک تلگرام از مسکو کافی بود که آن‌ها ۱۸۰درجه چرخش کنند ... و آن‌ها تنها به یک اصل پایبند بودند و آن هم عبارت بود از حمایت مطلق از مسکو، در هر شرایطی، بدون کوچک‌ترین تردید و تزلزل» (پوپر، ۱۳۷۸، صص ۴۷-۴۹).

در پایان این نوشتار گفتنی است اگرچه دکتر پورحسینی در سرتاسر این کتاب برای ارائه چهره‌ای سالم و وطن‌دوست از خود تلاش وافری کرده است، اما تدبیر وی برای پیراستن چهره خود از وابستگی به شوروی و تبری از کمونیسم فراز جالبی در این زمینه به حساب می‌آید!

#### منابع:

- پوپر، کارل (۱۳۷۸). درس این قرن همراه با دو گفتار درباره آزادی و حکومت دموکراتیک. گفتگوی جیانکارلو بوزتی با کارل پوپر. ترجمه علی پایا. تهران: طرح نو.
- بارون، جان. (۱۳۷۰). کا. گ. ب، «عملیات مأموران مخفی شوروی». مترجم: سیاوش میرزاییگی قم: ادب.

